

که نرخ بهره عامل تعیین کننده است، سیاستگذار پولی معمولاً به وسیله افزایش و کاهش نرخ بهره، منابع موجود را به سمت اهدافی که سیاستگذاری کرده است، هدایت می‌کند.

در این سیستم، به دلیل اینکه نرخ بهره عامل هدایت و حرکت پول می‌شود، عمدتاً نظارت‌های زیادی نیز در رشد اعتبارات صورت نمی‌گیرد و این عدم کنترل متناسب و رهاشدگی بیش از حد در این سیستم، اغلب منجر به ایجاد بحران‌های پولی و یا دوره‌های تجاری مؤثر در اقتصاد کشورهای استفاده کننده از سیستم بانکداری مبتنی بر نرخ بهره خواهد شد.

این دور تجاری از نظر اندیشمندان غربی نیز پوشیده نبوده و بحث‌های آن در نظریات کینزین‌ها و نظریات پولی فریدمن و طرفداران آن مشاهده می‌شود. بنابراین سؤال این است که اگر ما بخواهیم از منابع در گردش کشور استفاده کنیم، به نحوی که منجر به ایجاد دور تجاری نشود، چه باید کرد؟ در اینجا نظام اقتصاد اسلامی، حذف نرخ بهره پولی را پیش‌بینی کرده و به جای آن نرخ مشارکت در سرمایه‌گذاری و سود را مورد توجه قرار داده است.

به جای اینکه به بخش حقیقی و تولید وارد شود و به سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها کمک کند، دست به دست می‌گردد و از طریق عملیات غیرحقیقی (مانند سوداگری) تنها بر تورم اثرگذار می‌شود.

در حالی که قرار بود این پول یا اعتبارات اعطایی، بیشترین تأثیر را بر تولید داشته باشد. وقتی هدایت درست اعتباری صورت نگیرد و تورم به وجود آید، نتیجه این می‌شود که شرکت‌های تولیدی، در وضعیت تورمی، قدرت خرید منابع شان کاهش پیدا می‌کند و به منابع جدید برای تأمین سرمایه در گردش خود احتیاج پیدا می‌کنند. کاهش توان منابع و نیاز به سرمایه در گردش شرکت‌ها نیز یا بنگاه را دچار رکود خواهد کرد و اگر دچار رکود نشود، نیز برای مرحله دوم تولید نیازمند آن می‌شود که تقاضای منابع جدید کند. به همین ترتیب، وقتی تقاضای منابع جدید در شرایط کمبود نقدینگی، اتفاق می‌افتد، باید یک واحد پول را با نرخ بهره بالاتر یا با نرخ تورم بالاتر خریداری کند. این چرخه‌ای که به وجود می‌آید همان چرخه پول و رکود یا پول و تله تورمی است.

این تله تورمی، ماهیتاً به این دلیل است که چون نظارت دقیقی روی هدایت اعتباری صورت نمی‌گیرد، سیاستگذاری پولی در این مقوله نتوانسته اهداف را محقق کند و این پیچیدگی را در اقتصاد به وجود آورده است. بنابراین یکی از علت‌های اصلی ایجاد تورم، همین تله نقدینگی و افزایش تقاضا برای پول و از سمت دیگر کاهش قدرت اعتباردهی مؤسسات است. این مسائل سبب می‌شود که در مجموع نتوانیم سیاست‌های مشوق بخش تولید را به درستی پیش بگیریم و به وضعیتی که دچار آن هستیم، برسیم.

در حال حاضر، تولیدکنندگان همواره این کلاهی را دارند که در ادوار تجاری با احتیاج مضاعف برای تأمین سرمایه در گردش روبه‌رو می‌شوند و تأمین این احتیاج نیز با تقاضای جدید خلق پول روبه‌رو می‌شود و خلق پول (به این شکل) نیز یک دور مارپیچ تورمی را در اقتصاد ایران به وجود آورده است.

این چالش بخش پولی ما با مشکلات و چالش‌های بخش مالی جمع شده است و جمع این دو عامل باعث شده تا سیاستگذاری‌ها عملاً منشأ تورمی پیدا کنند و مشکلات تورمی را در ایران افزایش دهند و این تورم‌زایی، باعث فروپاشی و نابودی بسیاری از بخش‌های تولیدی در اقتصاد ایران شده است.

● اگر بخواهیم بحث هدایت اعتباری را به صورت مصداقی بررسی کنیم و برای آن راه حل‌هایی ارائه دهیم، به عنوان مثال در بخش قوانین، سیاستگذاری‌ها، نظارت و اجرا، از نظر شما اصلاحات یا بازنگری‌ها چگونه باید صورت پذیرد؟ در این رابطه چه پیشنهاداتی را می‌توانید ارائه دهید؟

عمدتاً سیستم بانکی در بحث قوانین مشکل ندارد، هرچند که در بخش‌هایی از قوانین بانکداری اسلامی و عقود اسلامی نیازمند بازنگری هستیم، اما از نظر بنده بیشترین مشکلات در بخش اجرائی، به طور کلی بحث اصلی این است که تا ساختارهای اجرایی بانک تغییر نکند و نوع نگاه سیستم پولی، در بانک‌ها تغییر نکند، شما همه نقدینگی کشور را هم که به سمت بانک بیاورید، یعنی بانک وظایف خود را در مورد نقدینگی انجام دهد و مردم هم قبول کنند که پول را در اختیار سیستم بانکی قرار دهند، باز هم دو نقص عمده باقی می‌ماند. اول است که عمدتاً نگاه بانکی، نگاه تولیدی نیست و بیشتر به دنبال منافع تجاری است.

به همین دلیل وقتی اجازه تخصیص منابع یا هدایت منابع به بانک داده می‌شود، این منابع به سمت فعالیت‌های تجاری می‌آید، مگر آنکه مداخله دولت را داشته باشیم که این دخالت دولت نیز همراه با خسارت‌هایی صورت می‌پذیرد. مداخله دولت یعنی اینکه دولت ورود کند و دستور دهد به صورت تکلیفی، این منبع را در این مسیر تولیدی باید هزینه کند. این موضوع از نظر من، خودش منجر به فروپاشی اقتصادی خواهد شد. لذا در اینجا نوع نگاه بانک در تخصیص اعتبارات و نقدینگی باید تغییر کند.

در کنار این مورد، دسته‌بندی بانک‌ها از بانک‌های تجاری و غیرتجاری نیز باید تغییر پیدا کند. در واقع باید بتوانیم بانک‌ها را براساس عقود دسته‌بندی کنیم. به این ترتیب که یک دسته از بانک‌ها براساس عقود مشارکتی وارد جریان اقتصادی شوند و عده‌ای از بانک‌ها نیز طبق عقود مبادله‌ای وارد فعالیت‌های اقتصادی شوند. به این ترتیب باید کنترل و ارزیابی نظام بانکداری اسلامی براساس این عقود اتفاق بیفتد.

اگر این تغییرات ساختاری و تغییرات نگاه، در فرایندهای عملیاتی به وجود آید، دیگر نیازی به مداخله دولت در تخصیص جریان‌های اعتباری نخواهد بود و بانک‌ها نیز از رویکرد بهره‌ای خارج شده و در راستای مشارکت بیشتر در پروژه‌های تولیدی تخصص می‌یابند. راه سومی که باید توجه داشت این است که بانک‌ها نباید به سمت بنگاه‌داری بروند.

باید به این اصل وفادار بود که بانک‌ها مسئول تأمین مالی بخش حقیقی اقتصاد هستند. نه اینکه منابع را در اختیار خودشان قرار دهند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در بازارها وارد شوند.

● طی سال‌های گذشته در چهارچوب اقتصاد اسلامی، یک سری ابزارها نیز برای اصلاح نقص‌های هدایت اعتباری ارائه دادیم، مثل اصلاحاتی که در اوراق گام ایجاد شد و بحث‌هایی که در فکتورینگ داشتیم. به طور کلی از نظر شما آیا رویکرد اقتصاد اسلامی توانسته ابزار مناسبی را در راستای اصلاح شیوه هدایت اعتبارات معرفی کند؟

از نظر تاریخی، وقتی رکود بزرگ در اقتصاد آمریکا و اروپا اتفاق افتاد پیش از دو هزار بانک در در این کشورها ورشکست شدند، اما از میان بانک‌هایی که PLS بودند تنها ۵ بانک ورشکست شدند و این اتفاق نیز بانک‌هایی بودند که ارتباطات تجاری و تبادل اوراق با بانک‌های مبتنی بر نرخ بهره داشتند.

به همین خاطر در آن زمان کشور انگلستان اعلام کرد که ما در صدد این هستیم سیستم بانکداری اسلامی که بحث مشارکت در سرمایه‌گذاری یا سیستم PLS را پیگیری می‌کند در کشورمان به اجرا در آوریم و در آن زمان مطرح شد که این رویکرد در بانکداری عمدتاً منجر به دور تجاری و رکود نشده است.

اما در کشور ما متأسفانه این رویه آنگونه که شایسته بود، مورد توجه قرار نگرفت و می‌توان به جرأت گفت که در حال حاضر سیستم بانکی ایران به شکل کامل اسلامی عمل نمی‌کند. در واقع شاید ریشه یک‌سری از نارسایی‌ها را بتوان اینجا یافت. به عنوان مثال در بحث تورم که در نتیجه سیاست‌های غلط یا عدم اتخاذ سیاست‌های درست رخ داد، دولت باید خسارت‌های تورمی را جبران کند. البته که امکان این کار نیز برای دولت در حال حاضر وجود ندارد.

بنابراین می‌توان گفت نظام بانکداری ما به سمت مشارکت در بخش حقیقی، که رشد تولید در بخش واقعی را به دنبال داشته باشد،

حرکت نکرده است و تا این نگاه و سیاست‌ها و روندها ادامه پیدا کند، نمی‌تواند در خصوص رفع نقایص نیز امیدوار بود.

● در خصوص طرح اصلاح قانون بانکداری اسلامی که در مجلس در حال پیگیری است، آیا به نظر شما این طرح می‌تواند در راستای اصلاح معایب سیستم بانکداری و رفع نقایص موجود عمل کند؟

به نظر من بحث در ابتدا همان تجدیدنظر در دسته‌بندی و ماهیت بانک‌ها است و باید بتوان مشخص کرد که بانک‌ها براساس عقود مشارکتی می‌خواهند ادامه حیات دهند، یا عقود مبادله‌ای؟ اگر چنین باشد، باید قراردادها و فرایندهای اجرایی بانک‌ها نیز در همین راستا قرار گیرد و واقعی شود و نه مجازات حاکم شود و در عمل رویه دیگری در پیش باشد. پس در ابتدا باید این دسته‌بندی مشخص شود و اجرا نیز به صورت واقعی و متناسب با دسته‌بندی‌های مشخص شده، تنظیم شود.

مشخص شدن ماهیت بانک باید به گونه‌ای باشد که سپرده‌گذار وقتی به بانک مراجعه می‌کند، بتواند مشخص دهد که بانک در کدام دسته از عقود فعالیت می‌کند و بر اساس همان ماهیت قرارداد بسته شود.

در حال حاضر، این مبهم است و با وجود اینکه مجلس تلاش‌هایی را برای رفع این ابهام انجام داده است، به نظر من با توجه به پیچیدگی‌ها و عدم تعادل‌هایی که در اقتصاد ایران می‌بینیم، عمدتاً سیاستگذاران ترس دارند که وارد شوند و هزینه این تکنیک و اصلاح را بپذیرند. در فرایند اصلاح مهم‌ترین مشکلی که وجود دارد تضاد منافع است و افراد تصمیم‌گیر معمولاً در بانک‌ها سهامدار هستند و به همین دلیل تصمیمی نمی‌گیرند که به ضرر خودشان باشد. از این رو تا تضاد منافع حل نشود، بحث اصلاح نیز به نتیجه نخواهد رسید.

● از نظر شما با توجه به ریشه‌های نهادی شکل گرفته در نظام بانکداری ایران، برگشت از مسیر و ایجاد سیستم بانکداری اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود؟

با توجه به این مشکلاتی که ذکر شد، می‌توان گفت، هرچند که ایجاد بانکداری اسلامی امکان‌پذیر است، اما کار بسیار سختی خواهد بود و نیازمند عزم جدی و ممارست بسیار زیاد است. از سال ۱۳۶۳ که قانون بانکداری بدون ربا تصویب شده است، ما همواره در اجرا با انحراف روبه‌رو شده‌ایم. این موضوع یک نوع نابسامانی عمده و اساسی را به وجود آورده و باید در ابتدا اراده جمعی و باورها به سمت اصلاح ساختارهای اجرایی نظام بانکی برود و در این زمینه میان طیف‌های مختلف اجماع صورت پذیرد. در مجموع می‌توان اینگونه بحث را جمع‌بندی کرد، ما نیازمند تقویت روحیه اصلاح در جامعه هستیم تا بتوانیم یک مجموعه اصلاحات اساسی را در سیستم پولی، مالی، ارزی و نظارتی خود به اجرا در آوریم.

در این خصوص باید توجه داشت که پیگیری یکسری اصلاحات موردی چاره‌ساز نخواهد شد و اصلاحات باید به صورت کلی و در تمامی بخش‌ها دنبال شود.

در هدایت اعتباری، دولت باید نگاه خود را از یک وجهی در سیستم ارزی به سه وجهی تغییر دهد. یعنی هم‌زمان که سیستم ارزی اصلاح می‌شود، سیستم پولی و مالی نیز اصلاح شود. این سه اگر هم‌زمان اتفاق بیفتد، اعتبارات به طور خودکار به سمت تولید می‌رود.

از نظر من هدایت اعتباری تنها بر اساس سیستم بانکداری اسلامی که یک رویکرد قوی و قابل اعتنا در دنیا است، می‌تواند برای رشد تولید چاره‌ساز شود.

گزارش



دلیل حرکت بانک‌ها به سمت ناترازی

دارایی‌های منجمد در ترازنامه بانک‌ها چالش‌هایی از جمله کاهش نقدینگی

و ریسک عملیاتی به همراه دارند

در ادبیات اقتصادی، ناترازی نظام بانکی به عدم تطابق بین دارایی‌ها و بدهی‌های ترازنامه بانک‌ها اشاره دارد. به بیان دیگر، وجود ناترازی در شبکه بانکی به معنای عدم توازن میان دارایی‌هایی است که بانک‌ها در اختیار دارند و همچنین بدهی‌هایی بانک به سایر افراد یا نهادها دارند. ناترازی بانک‌ها می‌تواند منجر به ناتوانایی بانک در تأمین نیازهای مالی مشتریان و سپرده‌گذاران شود و در نتیجه به بحران بانکی منجر شود. از سوی دیگر خلق نقدینگی مازاد بر تولید یکی از عوامل اصلی تورم است و یکی از اثرات ناترازی نظام بانکی، افزایش رشد نقدینگی است و رسیدگی به وضعیت ترازنامه بانک‌ها، یکی از لازمه‌های مهم در مهار تورم است. ناترازی نظام بانکی یک مسأله جهانی است که بسیاری از کشورها در مقاطع مختلف با این چالش روبه‌رو بوده‌اند و افراد تصمیم‌گیر معمولاً در بانک‌ها سهامدار هستند و به همین دلیل تصمیمی نمی‌گیرند که به ضرر خودشان باشد. از این رو تا تضاد منافع حل نشود، بحث اصلاح نیز به نتیجه نخواهد رسید.

● از نظر شما با توجه به ریشه‌های نهادی شکل گرفته در نظام بانکداری ایران، برگشت از مسیر و ایجاد سیستم بانکداری اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود؟

با توجه به این مشکلاتی که ذکر شد، می‌توان گفت، هرچند که ایجاد بانکداری اسلامی امکان‌پذیر است، اما کار بسیار سختی خواهد بود و نیازمند عزم جدی و ممارست بسیار زیاد است. از سال ۱۳۶۳ که قانون بانکداری بدون ربا تصویب شده است، ما همواره در اجرا با انحراف روبه‌رو شده‌ایم. این موضوع یک نوع نابسامانی عمده و اساسی را به وجود آورده و باید در ابتدا اراده جمعی و باورها به سمت اصلاح ساختارهای اجرایی نظام بانکی برود و در این زمینه میان طیف‌های مختلف اجماع صورت پذیرد. در مجموع می‌توان اینگونه بحث را جمع‌بندی کرد، ما نیازمند تقویت روحیه اصلاح در جامعه هستیم تا بتوانیم یک مجموعه اصلاحات اساسی را در سیستم پولی، مالی، ارزی و نظارتی خود به اجرا در آوریم.

در این خصوص باید توجه داشت که پیگیری یکسری اصلاحات موردی چاره‌ساز نخواهد شد و اصلاحات باید به صورت کلی و در تمامی بخش‌ها دنبال شود. در هدایت اعتباری، دولت باید نگاه خود را از یک وجهی در سیستم ارزی به سه وجهی تغییر دهد. یعنی هم‌زمان که سیستم ارزی اصلاح می‌شود، سیستم پولی و مالی نیز اصلاح شود. این سه اگر هم‌زمان اتفاق بیفتد، اعتبارات به طور خودکار به سمت تولید می‌رود.

از نظر من هدایت اعتباری تنها بر اساس سیستم بانکداری اسلامی که یک رویکرد قوی و قابل اعتنا در دنیا است، می‌تواند برای رشد تولید چاره‌ساز شود.

از نظر من هدایت اعتباری تنها بر اساس سیستم بانکداری اسلامی که یک رویکرد قوی و قابل اعتنا در دنیا است، می‌تواند برای رشد تولید چاره‌ساز شود.

از نظر من هدایت اعتباری تنها بر اساس سیستم بانکداری اسلامی که یک رویکرد قوی و قابل اعتنا در دنیا است، می‌تواند برای رشد تولید چاره‌ساز شود.

برخی بانک‌های کشور دارد، دارایی خارجی بانک‌ها است که ممکن است به آن دارایی دسترسی نداشته باشند و منجر به کاهش کیفیت این ردیف دارایی می‌شود. همچنین در طول زمان بخشی از بدهی‌های بخش دولتی یا غیردولتی به مطالبات غیرجاری تبدیل شده و بخشی از تسهیلات نکول شده و عملاً بانک به آن دارایی دسترسی ندارد و اصطلاحاً منجمد است. در نتیجه یکی از الزامات رسیدگی به موضوع ناترازی بانک‌ها، توجه به افزایش کیفیت سمت راست ترازنامه بانک‌ها است. دارایی منجمد در ترازنامه بانک‌ها به معنای دارایی‌هایی است که به طور معمول نمی‌تواند به سرعت به نقدینگی تبدیل شود. این دارایی‌ها ممکن است شامل تسهیلاتی باشند که تسهیلات‌گیرندگان قادر به بازپرداخت آنها نباشند یا دارایی‌های غیرقابل نقل و انتقال مانند دارایی‌های خارجی را شامل شوند. دارایی منجمد در ترازنامه بانک‌ها چالش‌هایی را به وجود می‌آورند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. وجود دارایی‌های منجمد باعث کاهش نقدینگی بانک می‌شود و این مسأله ممکن است هنگامی که بانک نیاز به پرداخت نقدینگی فوری دارد، مشکلاتی را به وجود آورد. همچنین دارایی‌های منجمد معمولاً با ریسک عملیاتی بیشتری همراه هستند. به عنوان مثال، ارزش دارایی‌های خارجی مانند ارز کشورهای گوناگون ممکن است در طول زمان تغییر کند و بانک را در معرض ریسک بیشتر قرار دهد. دارایی منجمد، بانک را با ریسک نقدینگی نیز مواجه خواهد کرد. وجود دارایی‌های منجمد باعث افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود و اگر بانک نتواند دارایی‌های منجمد را به سرعت به نقدینگی تبدیل کند، ممکن است نتواند نیازهای نقدینگی خود را برآورده کرده و در معرض چالش‌های جدی قرار گیرد. به طور کلی، دارایی‌های منجمد در ترازنامه بانک‌ها چالش‌هایی از جمله کاهش نقدینگی، ریسک عملیاتی، عدم تطابق زمانی، ریسک نقدینگی و برخی هزینه‌های نگهداری را به وجود می‌آورند.



تسهیلات بی کیفیت را می‌توان به عنوان

یکی از عوامل مؤثر در تداوم ناترازی

بانک‌ها عنوان کرد

لرزم توجه به آثار تسهیلات تکلیفی

عواملی که پیش‌تر به عنوان بازنگران ناترازی نظام بانکی برشمرده شد، عموماً یا درون‌زا بودند یا بانک‌ها در کنترل آن می‌توانستند نقش ایفا کنند. اما یکی از مواردی که تحت اختیار بانک‌ها نیست و دولت‌های مختلف یا مجلس به نظام بانکی تحمیل می‌کنند، تسهیلات تکلیفی است.

تسهیلات تکلیفی در ناترازی نظام بانکی نیز در سال‌های گذشته نقش داشته و چالش‌هایی را برای بانک‌ها به وجود آورده است. تسهیلات تکلیفی باعث افزایش ریسک اعتباری بانک می‌شود و زمانی که بانک به مشتریان خود تسهیلات تکلیفی یا شبه تکلیفی اعطا می‌کند، احتمال عدم بازپرداخت این تسهیلات بالاست و تسهیلات را در معرض نکول قرار می‌دهد. تسهیلات تکلیفی ممکن است منجر به کاهش سودآوری بانک شود و این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر توانایی بانک در اعطای وام‌های دیگر داشته باشد. همچنین وجود تسهیلات تکلیفی باعث افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود. اگر تسهیلات تکلیفی به سرعت بازپرداخت نشود، ممکن است بانک نتواند نیازهای نقدینگی خود را برآورده کند و در معرض ریسک نقدینگی قرار گیرد. به طور کلی، تسهیلات تکلیفی در ناترازی نظام بانکی، عواملی از جمله کاهش سرمایه، ریسک اعتباری، کاهش سودآوری و ریسک نقدینگی را به وجود می‌آورند و باید هم‌زمان با حل چالش‌های ناترازی نظام بانکی، سازگار تخصیص تسهیلات تکلیفی نیز به موازات ساماندهی شود.

لرزم توجه به افزایش کیفیت سمت راست ترازنامه

پیش‌تر به عدم برخورداری کیفیت لازم برخی از ردیف‌های ارقام دارایی بانک‌ها اشاره شد. یکی دیگر از ردیف‌های سمت راست ترازنامه بانک‌ها که نقش مهمی در ناترازی